

ساخت واژه در گویش لاری

ایران کلباسی



گویش لاری از جمله گویشهای ایرانی جنوب غربی است که در حال حاضر در شهرستان لار به کار می‌رود. شهرستان لار در جنوب استان فارس و در حد فاصل شهرستان‌های داراب، جهرم، فیروزآباد و استانهای بوشهر و هرمزگان واقع شده و مساحت آن ۳۳۶۶۷ کیلومتر مربع است. لار از نظر وسعت بزرگترین شهرستان استان فارس به‌شمار می‌رود. این شهرستان برابر سرشماری ۱۳۵۵ دارای ۱۸۳۹۲۱ نفر جمعیت^۱ بوده و از نظر تقسیمات کشوری شامل چهار بخش مرکزی، جویم، اوز و لامرد می‌باشد. لار امروز شامل دو بخش جدید و قدیم است که لار جدید پس از زلزله سال ۱۳۳۹ در ۶ کیلومتری لار قدیم بنا شده است. بخش قدیمی لار در دامنه کوهی واقع است که بر فراز آن بقایای دژی به نام «ازدها پیکر» وجود دارد.

در این مقاله واژگان این گویش تنها از نظر ساخت اشتقاقی^۲ و نه صرفی^۳ مورد

بحث قرار می‌گیرد. داده‌های این بررسی از سه کتابی گردآوری گردیده که مشخصات آنها در قسمت مآخذ ذکر شده است (فرهنگ لارستانی و مطالعات لارستانی ۱ و ۲). واژه‌های این سه کتاب در ابتدا برگزیده و از نظر اجزاء ترکیبی دسته‌بندی شده و سپس انواع آنها تعیین گردیده است. ذکر این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که چون کتابهای فوق به‌ویژه مطالعات لارستانی ۱ و ۲ در سالهای اخیر انتشار یافته‌اند (۱۳۵۸ و ۱۳۶۵)، بنابراین می‌توان گفت که بررسی حاضر یک مطالعه همزمانی است و نه تاریخی.

واژه در این گویش از نظر ساخت اشتقاقی سه نوع است: بسیط، مشتق و مرکب.

الف - واژه‌های بسیط^۴

واژه بسیط از يك واژك آزاد ساخته شده است، مانند Xaw (خواب)، bazâl (بازار).

واژك^۵ کوچکترین واحد معنی دار زبان است و به دو دسته تقسیم می‌گردد: آزاد و مقید. واژك آزاد^۶ آن است که به تنهایی نیز به کار رود مانند مثالهای فوق؛ واژك مقید^۷ به تنهایی به کار نمی‌رود، مانند ù- در gordak-ù (کلیه، قلوه)، ù-bün در mër-bün (مهربان). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

ب - واژه‌های مشتق^۸

واژه مشتق علاوه بر يك یا چند واژك آزاد، دارای يك یا چند وند اشتقاقی^۹ است، مانند garm-â (گرما)، do-bâr-a (دوباره)، šîr-în-î (شیرینی) که ,šîr, do, bâr, garm واژك آزاد و â-, -a, -î, -în- وندهای اشتقاقی اند.

ج - واژكهای مرکب^{۱۰}

واژه مرکب از بیش از يك واژك آزاد ساخته شده است، مانند rûd-xûna (رودخانه) که rûd و xûna هر دو به تنهایی نیز به کار می‌روند.

واژه را در این گویش از نظر نقش دستوری نیز به سه دسته اسمی، فعلی، و حرفی تقسیم می‌کنیم و از نظر سهولت طبقه‌بندی اسم، صفت، قید، عدد، ضمیر، و صوت را در گروه اسمی قرار می‌دهیم.

۱- واژه‌های اسمی

واژه‌های اسمی از نظر ساختمان اشتقاقی، بسیط، مشتق یا مرکب‌اند:

۱-۱- اسمی بسیط

این گروه از واژه‌ها همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد از يك واژك آزاد ساخته شده‌اند، مانند: bazâl, xaw.

۲-۱- اسمی مشتق

این دسته از واژه‌ها با وندهای اشتقاقی ساخته می‌شوند. در این گویش وندهای اشتقاقی دو نوع‌اند: پسوند و پیشوند.

۱-۲-۱- پسوندا

پسونداها که با صفت (garm-â گرما)، اسم (rûz-âna روزانه، هر روز)، ستاک حال (xor-âk خوراك) یا ستاک گذشته فعل (gereft-âr گرفتار) ترکیب می‌شوند و اسم، قید یا صفت می‌سازند، به‌قرار زیرند:

garm-â :â (گرما)، pân-â (پهنا)

âr : -âr (گرفتار، مشغول)

âna : -âna (روزانه، هر روز)

âk : -âk (خوراك، غذا)

î : -î[?] : -â[?] (دایره)

âla : -âla (دنباله)

a : -a (تنه)، aft-a (هفته)، garm-a (خاکستر)

an : -an (حتماً)، osûs-an (مخصوصاً)، aqq-an (واقعاً)

ak : -ak (آرام آرام)، pašm-ak (پشمک)

aka : -aka (مرد تحقیرشده)

- Par-anda : -andá (پرنده)
 -ū : gordak-ū (کلیه ، قلوه) ، asrat-ū (دستبند) ، am-ū (عمو)
 Parass-eš : -eš (پرستش) ، nâl-eš (نالہ ، فریاد خفیف)
 -î : âb-î (آبی) ، šâd-î (میمون) ، âšpaz-î (آشپزی) ، sowz-î (سبزی)
 -în : šîr-în (شیرین) ، Pas-în (عصر) ، بعد از ظهر
 morq-îza : -îza (پرنده)
 -îča : dar-îča (پنجره)
 -bûn : mer-bûn (مهربان)
 -ča : daryâ-ča (دریاچه) ، mâpey-ča (ماهیچه)
 -gâr : âmûz[e]-gâr (آموزگار)
 -jî : bâbâ-jî (پدر بزرگ)
 (n) : -mû (n) : âs[a]-mû (آسمان) ، res-mû (ریسمان)
 -mand : kâr-mand (کارمند)
 -nâk : xatar-nâk (خطرناک)
 -var : pânâ-var (پهن) ، jûn[o]-var (جانور)
 vâda : xâne-vâda (خانواده) ، فامیل

در این دسته از کلمات گاهی پایه کلمه (جزء بدون وند) به تنهایی به کار نمی رود و تنها همراه با یکی از وندهای فوق کاربرد دارد، مانند darvâz-a (دروازه) ، pišdass-a (پیش دستی ، بشقاب) ، Xošsâl-î (خشکسالی) ، čašrowšan-î (چشم روشنی) که darvâz ، pišdass ، Xošsâl ، čašrowšan به تنهایی به کار نمی روند.

۱-۲-۲- پیشوندها

پیشوندها که با اسم ، صفت یا قید ترکیب می شوند و اسم ، صفت یا قید می سازند ، شامل انواع زیرند :

- am : am-râh (همراه) ، am-sâda (همسایه ، مجاور)
 -nâ : nâ-balad (ناشی) ، nâ-râ?at (ناراحت)

ne-xaš : ne- (بدمزه، بی مزه)، ne-taʔiš (کم عمق)

na-pas : na- (پس از آن)

۱-۳- اسمی مرکب

این گروه از واژه‌ها که از دو اسم، صفت یا قید، اسم و صفت، حرف اضافه و اسم، اسم و صفت همراه با ستاک فعلی یا صفت مفعولی ساخته می‌شوند، دارای انواع زیر می‌باشند:

۱-۳-۱ دو اسم یا اسم و صفت همراه با کسره اضافه (بالفعل یا بالقوه)، مانند toxm-e-morq (تخم مرغ)، pošt-ē-bū (پشت بام) dot-e-kâkâ (دختر برادر)، xâter-fâm (مطمئن، خاطر جمع)، dar-bača (پنجره، دریچه).

۱-۳-۲ دو اسم یا اسم و صفت به صورت اضافه مقلوب، مانند rûd-xûna (رودخانه)، rûz-nûma (روزنامه)، šarm-rû (شرمگین)، bad-râ (گمراه)، bad-baxt (بدبخت)، por-zûr (پرزور).

۱-۳-۳ دو اسم یا صفت همراه با حرف عطف o (بالفعل یا بالقوه)، مانند qasb-o-kâr (کسب و کار، شغل)، gard-o-xâk (گرد و خاک)، xub-o-bad (خوب و بد)، das-pâča (دست پاچه، مضطرب).

۱-۳-۴ دو اسم همراه با حروف اضافه ba (به) و az (از)، مانند šow-ba-xayr (شب به خیر)، sôb-ba-xayr (صبح به خیر)، piš-az-zôr (پیش از ظهر).

۱-۳-۵ حروف اضافه va, bî, bâ, az (به) و جز آن همراه با اسم یا صفت، مانند az-now (دوباره، از نو)، bâ-namak (بانمک)، bâ-xodâ (درستکار، باخدا)، bî-ĉi (بی پول، تهیدست)، va-dî (پیدا).

۱-۳-۶ صفات پیش وابسته‌ای^{۱۱} (مبهم، پرسشی، اشاره، عددی) همراه با اسم، مانند ar-roz (هر روز)، ar-kodom (هر کدام، هر یک)، ama-kes (همه)، folân-kes (فلان کس)، yak-xorda (قدری، برخی، یک خرده)، ĉe-târ (چطور، چه جور)، ĉe-qad (چقدر)، e-roz (امروز)، e-sâl (امسال)، e-row (این طرف)، ana-row (آن طرف)، ĉâr-gūš (چهار گوش)، do-kolow (خمیده)، do-šanbe(d) (دوشنبه)، dah-ezâr (ده هزار)، yak-šanbe(d) (یکشنبه).

در مثالهای فوق ar ، ama ، folân ، yak صفات مبهم ، e صفت پرسشی ، e ، ana صفات اشاره ، eâr ، do ، dah و yak صفات عددی اند .

۱-۳-۷. اسم یا صفت همراه با ستاک حال فعل ، مانند del-xor (نگران ، دلخور) ، čiz-fām (خردمند ، چیزفهم) ، âš-paz (آشپز) ، râs-gū (درستکار ، راستگو) ، zūr-dar (قوی) ، pül-dâr (پولدار) ، sîna-rîz (گردن‌بند) ، jâ-rû (جارو) ، dūd-kaš (دودکش) ، moš-gîr (تله) .

۱-۳-۸. اسم همراه با ستاک گذشته فعل ، مانند âb-xord (سرنوشت ، تقدیر)^{۱۲} .
۱-۳-۹. اسم همراه با صفت مفعولی ، مانند amû-zâda (عمه‌زاده ، عموزاده) ، xalû-zâda (دایی‌زاده ، خاله‌زاده) .

۱-۳-۱۰. اسم همراه با فعل امر ، مانند ormâ-beriz (نوعی حلوا) .
۱-۳-۱۱. کلمات مکرر ، مانند kapa-kapa (شکسته و خردشده) ، mot-mot (جهیدن) ، gohpow-gahpow (گشادگشاد راه رفتن) ، ârum-ârum (آرام آرام) .
۱-۳-۱۲. اتباع^{۱۳} ، مانند âya-vâya (بی‌خانمان ، سرگردان) ، vang-o-vong (سروصدای بچه شیرخوار) ، âj-o-vâj (متحیر و مبهوت) ، âk-o-vâk (رنگ رخساره) ، ax-o-pex (اخلاط سینه) .

۲- واژه‌های فعلی

فعل در این گویش مانند گروه اسمی به سه دسته بسیط ، مشتق و مرکب تقسیم می‌گردد:

۲-۱- فعل بسیط

فعل بسیط آن است که تنها از يك جزء فعلی تشکیل شده باشد ، مانند onda (آمدن) ، dâšta (داشتن) ، nada (نهادن) . (در مثالهای فوق نشانه مصدر است که وندی است صرفی^{۱۴} .

۲-۲- فعل مشتق

فعل مشتق آن است که علاوه بر جزء فعلی ، جزء دیگری به صورت پیشوند اشتقاقی داشته باشد ، مانند vâ-morda (پژمردن) ، vâ-čeda (جمع کردن) ،

vâ-raseda (برگشتن، وارد شدن)، vâ-monda (به‌جاماندن)، vâ-xarda (آشامیدن)، vâ-joŝsa (پیدا کردن)، vâ-geŝta (برگشتن).

vâ- در مثالهای فوق به معنی «دوباره، برعکس، به سوی عقب یا به سوی بالا» است و پرکاربردترین پیشوند فعلی در این گویش است. (در داده‌های مورد استفاده قرار گرفته پیشوند فعلی دیگری یافت نشد).

۲-۳- فعل مرکب

فعل مرکب آن است که علاوه بر جزء فعلی جزء دیگری به صورت اسم، صفت، قید، ضمیر به‌طور تنها یا همراه با حرف اضافه و یا پیشوند فعلی با فعل همراه گردد و شامل انواع زیر است:

۲-۳-۱. اسم + فعل، مانند nafas-kaŝeda (نفس کشیدن)، bû-kerda (بوکردن)، goŝ-dada (گوش دادن)، yâd-gereta (یادگرفتن).

۲-۳-۲. صفت یا قید + فعل، مانند lē-kerda (له کردن)، tîz-kerda (تیز کردن)، por-gota (پُرگفتن)، kam-kerda (کم کردن، کاستن)، bîdâr-boda (بیدار شدن).

۲-۳-۳. حرف اضافه + ضمیر (هم) + فعل، مانند am-zata a-[?]am-kerda (به هم زدن)، a-[?]am-xarda (به هم آمیختن)، a-[?]am-kerda (به هم خوردن).

۲-۳-۴. حرف اضافه بسیط یا گروهی + اسم + فعل، مانند a-tek - kerda (فرو کردن)، a-kâr-âporda (به کار بردن)، az - yâd-ĉeda (فراموش کردن)، a-dar-âporda (درآوردن)، a-dar-onda (بیرون آمدن، روییدن)، a-zîr-ĉeda (پایین آمدن)، a-bar-kerda (دربر کردن، پوشیدن)، a-barâ - borda (بالا بردن)، a-gîr-âporda (حاصل کردن)، a-donyâ - [?]onda (متولد شدن)، a-tâ-kerda (تا کردن، شکستن)، vâ-xabar-boda (باخبر شدن)، vâ-[?]aw-boda (آب شدن)، alo[?]e -aw -boda (شناور شدن)، alo[?]e -kûl -nada (به دوش گرفتن)، ata[?]e -aw -ĉeda (ته رفتن).

۲-۳-۵. اسم یا صفت + پیشوند + فعل، مانند nafas-vâ-kaŝeda (نفس فرو بردن)، xoŝâl -vâ -boda (خوشحال شدن)، doros -vâ -kerda (درست کردن)، bêtar -vâ -boda (بهبود یافتن)، pûs -vâ -kerda (پوست کندن)، gom -vâ -boda (گم

شدن).

- ۶-۳-۲. اسم + صفت + فعل، مانند avaz-kerda [â-?] (جا عوض کردن).
 ۷-۳-۲. حرف اضافه + اسم + پیشوند + فعل، مانند az-xâw-vâ-rosseda (از خواب برخاستن).
 ۸-۳-۲. اسم + حرف اضافه + اسم + فعل، مانند dang-a-dar-â?orda (ادا درآوردن، تقلید کردن).

۳- واژه‌های حرفی

حروف که شامل حروف اضافه و ربط اند به دو دسته بسیط و غیربسیط تقسیم می‌گردند.

۱-۳- حروف بسیط

حرف بسیط آن است که تنها از یک حرف اضافه یا ربط ساخته شده باشد، مانند a (در، به)، bâ (با)، az (از)، ba، va (به)، dar (در)، bi (بی)، ke (که).

۲-۳- حروف غیربسیط

حروف غیربسیط یا «گروهی» آن است که اجزاء آن بیش از یک حرف باشد و شامل انواع زیر است:

- ۱-۲-۳. حرف اضافه + کسره اضافه، مانند vaso-?[?]e (برای).
 ۲-۲-۳. حرف اضافه + کسره اضافه + حرف ربط، مانند vaso-?[?]e-ke (برای اینکه).
 ۳-۲-۳. اسم + حرف اضافه + حرف ربط، مانند piš-az-ke (پیش از اینکه).
 ۴-۲-۳. ضمیر اشاره + حرف ربط، مانند ede-ke (اینکه، زیرا که).
 ۵-۲-۳. حرف اضافه + اسم + کسره اضافه، مانند a-]â-?[?]e (به جای)، a-tek-e (در میان، توی)، a-dowr-e (در اطراف)، a-taraf-e (به طرف)، a-pâlo-?[?]e (به سوی)، dar-odūd-e (در حدود)، ba-xâter-e (به خاطر، به واسطه)، va-dass-e (به دست).

خلاصه

واژه در گویش لاری از نظر ساخت اشتقاقی سه نوع است: بسیط، مشتق، مرکب؛ و از نظر نقش دستوری نیز به سه دسته تقسیم می‌گردد: اسمی، فعلی و حرفی.

واژه‌های اسمی و فعلی دارای انواع بسیط، مشتق و مرکب‌اند ولی واژه‌های حرفی به دو دسته بسیط و غیربسیط تقسیم می‌گردند که نوع غیربسیط را «گروهی» نیز می‌توان نامید.

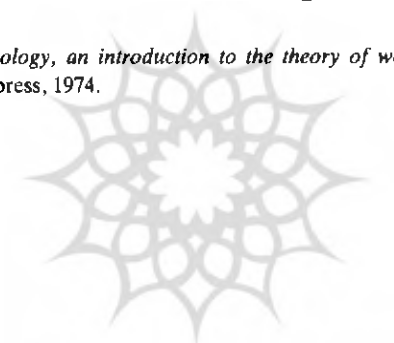
* * پی نوشتها:

۱. جغرافیای کامل ایران. تهران: انتشارات سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۶، ص ۸۶۸.
 ۲. derivational structure.
 ۳. inflectional structure.
 ۴. simple.
 ۵. morpheme.
 ۶. free morpheme.
 ۷. bound morpheme.
 ۸. complex.
 ۹. وند دو نوع است اشتقاقی (derivational affix) و صرفی (inflectional affix). وندهای اشتقاقی مفاهیم قاموسی به پایه کلمه می‌افزایند ولی وندهای صرفی که مورد بحث این مقاله نیستند دستوری‌اند، مانند yā- (نشانه جمع)، -ī (نشانه معرفه)، -ā (نشانه نکره)، -om (نشانه عدد تریبی)، -tar (نشانه صفت تفضیلی) و یاندهای صرفی فعل.
 ۱۰. compound.
 ۱۱. صفات پیش وابسته‌ای، صفاتی هستند که همیشه قبل از اسم می‌آیند.
 ۱۲. به دلیل کمبود داده‌ها، برای بعضی از موارد بیش از یک مثال یافت نشده است.
 ۱۳. برای توضیح راجع به کلمات اتباع نگاه کنید به «کلباسی، «ساختمان آوایی اتباع در فارسی».
 ۱۴. برای اطلاع از ساختمان صرفی فعل در این گویش نگاه کنید به کلباسی، «دستگاه فعل در گویش لاری».
- * علایم:
- بالای مصوت نشانه کشش است.
- بین حروف نشان دهنده مرز واژگها است.

() آنچه داخل آن می آید می تواند باشد یا نباشد .
[] آنچه داخل آن می آید صامت یا مصوّت میانجی است .

مآخذ :

- ۱ . اقتداری، احمد. فرهنگ لارستانی . تهران : چاپخانه رنگین، ۱۳۳۴ .
 - ۲ . کامیوکا، کوچی و مینورویامادا . مطالعات لارستانی (۱)، واژه‌های اساسی لاری . توکیو : مؤسسه مطالعات زبان و فرهنگ های آسیا و آفریقا، ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) .
 - ۳ . کامیوکا، کوچی ، عطاءالله رهبر و علی اکبر حمیدی . مطالعات لارستانی (۲)، واژه‌نامه بنیادی تطبیقی خنجی و لاری . توکیو : مؤسسه مطالعات زبان و فرهنگ های آسیا و آفریقا، ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) .
 - ۴ . کلباسی، ایران . «دستگاه فعل در گویش لاری» . مجله دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی ، سال ۲۱، ش اول، بهار ۱۳۶۷، صص ۱۷۰-۱۴۵ .
 - ۵ . کلباسی، ایران . «ساختمان آوایی اتباع در فارسی» . هشتمین کنگره تحقیقات ایرانی ، ج ۲، تهران : ۱۳۵۸، صص ۶۳-۷۲ .
6. P.H. mathews, *Morphology, an introduction to the theory of word-structure*. Cambridge: Cambridge University press, 1974.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی